

سیاست مبارزاتی در زمانه‌ی کرونا

ساندرو مزادرا^۱



ترجمه‌ی میترا یوسفی



^۱ ساندرو مزادرا استاد نظریه‌ی سیاسی در دانشگاه بولونیا است.

وضعیت اضطراری، منع آمد و شد، شورش در زندان‌ها و اعتصابات: ایتالیا کانون اروپایی این همه‌گیری جهانی است. همه‌ی اینها چه معنایی برای جنبش‌ها، مبارزات اجتماعی و نیروهای چپ دارد؟

«من از بولونیا در ایتالیا و در شرایط قرنطینه می‌نویسم. من تنها زندگی می‌کنم و این جداسازی را دشوارتر می‌کند. دوستانی که از کانون‌های همه‌گیری در برگامو و برشا تماس می‌گیرند، قصه‌های تکان‌دهنده‌ای از مرگ و سرایت فراگیر روایت می‌کنند. من سعی می‌کنم مقاومت کنم؛ از همه‌ی ابزارهای فنی که در دسترس دارم استفاده می‌کنم تا زندگی اجتماعی‌ام را ادامه دهم؛ بسیار می‌خوانم؛ و می‌نویسم؛ مقاله‌ی پیش رو را نیز باید چون تمرینی برای مقاومت و تلاشی برای پی‌گیری ایده‌های مبارزاتی در راه آزادی و برابری، حتی در دوران بحران، دید.»

زمان‌های طولانی انتظار مقابل داروخانه‌ها و صف‌های طولانی در مقابل سوپرمارکت‌ها: روایت‌هایی از این دست حالا به رویه‌ی عادی در ایتالیا بدل شده و همین‌ها کافی‌ست تا تصویری در این باره به دست آوریم که انتشار ویروس چه گونه جامعه‌ی ما را دگرگون می‌کند. به بیان دقیق‌تر، اپیدمی و اقدامات دولت در عمل برخی روندها را تشدید می‌کنند که مدت مدیدی در جریان بوده‌اند. دهه‌ها سیاست ترس تأثیر خود را به جا گذاشته است و حالا می‌توان آن را در ترس از هرگونه تماس و نگاه‌های مشکوک، که فاصله‌ی ایمنی را حفظ می‌کنند، مشاهده کرد. بدون تردید، چنین ترسی نیروهای مسلط بر زندگی ما را تقویت می‌کند و باید به خاطر داشت که اقدامات دولتی، آن‌طور که اکنون اعمال می‌شوند، در زرادخانه‌ی «سیاست‌های ممکن» باقی می‌مانند. با این همه، تصاویری نیز با دلالت‌هایی کاملاً متفاوت پدیدار می‌شوند: آدم‌ها در خیابان به یکدیگر لبخند می‌زنند، از بالکن‌ها موسیقی پخش می‌شود و احساس همبستگی نه تنها نسبت به

پزشکان و پرستاران بلکه نسبت به کارگران اعتصابی کارخانه‌ها، که برای استانداردهای بهداشتی در محیط کار می‌جنگند، ابراز می‌شود.

این روزها به نظر می‌رسد که مباحثات درونی جنبش‌های اجتماعی و نیروهای چپ بیشتر بر جنبه‌ی اول، یعنی تشدید مکانیسم‌های کنترلی در مواقع اضطراری، متمرکز است. در بسیاری از مداخلات، فارغ از مواضع فیلسوفان شناخته‌شده که این روزها به ویروس‌شناس و همه‌گیرشناس بدل شدند، نوعی شک و تردید نسبت به COVID-19 و خطر واقعی آن به چشم می‌خورد. به نظر من این رویکرد کاملاً گمراه‌کننده است. برعکس، بحث باید از این واقعیت آغاز شود که همه‌گیری ویروس کرونا نه تنها تهدیدی برای سلامتی و جان میلیون‌ها انسان (به‌ویژه سالمندان و سایر افراد در معرض خطر) است بلکه تاب‌آوری نظام‌های بهداشت و درمان را نیز به خطر می‌اندازد. در این باره نباید تردید داشت.

با این اوصاف، ویروس کرونا تهدیدی برای مقوله‌ای اساسی است که ما در بحث‌مان آن را «امر مشترک» خوانده‌ایم. این همه‌گیری در حال گسترش، تمام‌شکنندگی، ناامنی و اهمیت کار مراقبتی را نشان می‌دهد، که به‌خصوص در بحث‌های فمینیستی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بدون این که مسئله‌ی کنترل را فراموش کنیم، می‌خواهم از منظرِ اخیرِی که نام بردم نگاه کرده و بر آنچه که در حال حاضر در ایتالیا، اروپا و جهان در حال وقوع است، تأمل کنیم.

اثرات اقتصادی ویروس کرونا بی‌سابقه است. برای اولین بار پس از دهه‌ها، بحرانی که ریشه در «اقتصاد واقعی» دارد، تأثیر ویرانگری بر بازارهای مالی جهانی و خسارت‌های بی‌سابقه‌ای به جا می‌گذارد. با نظر به سرمایه‌داری جهانی، استعاره‌ی «انسداد» مناسب‌ترین توصیف برای این وضعیت است. مانند تصویر در آینه، بحران نیز تصویر معکوس سرمایه‌داری را بازنمایی می‌کند که در آن چرخه‌ی مصرف و انباشت تماماً به حرکت خستگی‌ناپذیر سرمایه، کالا و انسان‌ها بستگی دارد. اکنون، زنجیره‌های عرضه،

که چارچوب لژیستیک و زیرساخت جهانی سازی سرمایه‌دارانه را تشکیل می‌دهند، به شکل گسترده‌ای مسدود شده‌اند. قیمت‌های بورس - که مدت‌هاست گستره‌ی زنجیره‌های عرضه و شبکه‌های متصل به آن، گره‌گاهها و مناطق ویژه را کنترل می‌کند - نیز لاجرم چنین انسدادی را ثبت می‌کنند.

بی‌راه نیست که بگوییم همه‌گیری جهانی کنونی به نقطه‌ای رسیده است که سرمایه‌داری جهانی دیگر نمی‌تواند به روند توسعه‌ی قبل از آن بازگردد. به هیچ‌وجه گرایش به سناریوهای «فروپاشی» و آخرالزمانی ندارم. سرمایه‌داری مطمئناً بعد از ویروس کرونا باقی خواهد ماند، اما اساساً با آنچه در گذشته‌ی نزدیک تجربه کردیم متفاوت خواهد بود (گرچه تغییرات عمیق برآمده از بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ نیز پیش‌تر پدیدار شده بودند).

برای فهم آنچه در ایتالیا اتفاق می‌افتد باید چشم‌اندازی جهانی داشت. در حال حاضر ایتالیا بار دیگر خصلت‌های یک «آزمایشگاه» را به خود گرفته، البته به شکلی کامل متفاوت از گذشته‌ای نه چندان دور. به‌رغم خطر ساده‌سازی، می‌توان گفت که در حال حاضر بدیلی مشخص در حال برآمدن است: از یک طرف خطی وجود دارد که می‌توان آن را مالتوسی (یا اساساً تحت‌تأثیر داروینسم اجتماعی) تعریف کرد که نمونه‌های آن در محور جانسون-ترامپ-بولسانارو تجلی یافته است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد خطی وجود دارد که بر تجهیز مجدد نظام سلامت عمومی به عنوان ابزاری کلیدی برای مقابله با شرایط اضطراری تأکید می‌کند (این‌جا نمونه‌ها بسیار متفاوتند: چین، کره‌ی جنوبی و ایتالیا). در حالت اول مرگ و میر هزاران انسان، انتخابی طبیعی تعبیر می‌شود. در حالت دوم به دلیل شرایط ویژه، می‌بایست از جامعه با اعمال درجات متفاوتی از اقتدارگرایی و کنترل اجتماعی «دفاع» کرد.

به صراحت بگویم، به‌هیچ‌وجه از اقدامات دولت ایتالیا «حمایت» نمی‌کنم. در این محدوده اظهار نظر می‌کنم که در حال حاضر - در سطح جهانی - کشمکش در حال وقوع است که پیامدهای عمده‌ی آن نه تنها گریبان سرمایه‌داری بلکه گریبان زندگی

خودمان (که در نهایت با آن یکی ست) را می‌گیرد. این کشمکش کشورهایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که دولت‌هایشان مانند انگلیس، ایالات متحده و برزیل طرفدار آنچه راه حل «مالتوسی» خواندم هستند؛ آنجا که مقاومت به لحاظ اجتماعی و سیاسی عمیقاً ریشه دارد. اما این کشمکش ایتالیا را نیز در بر می‌گیرد، همان‌جایی که چنین مبارزاتی در عدم پذیرش تصمیمات **Confindustria** – اتحادیه‌ی صنایع و کارفرمایان ایتالیا – از جانب کارگران و خودداری آنها از قربانی شدن در برابر تفوق تولید، بازتاب می‌یابد. به طور کلی، مدیریت بحران و ویروس کرونا چون یک زمین مبارزه‌ی واقعی به نظر می‌رسد. تنها تشدید مبارزات اجتماعی (هم‌اکنون و در ماه‌های آینده) می‌تواند فضاهایی برای دموکراسی و «مراقبت» از امر مشترک بگشاید؛ و این مسئله برای ایتالیا کم‌تر از آمریکا صدق نمی‌کند.

اکنون اهمیت دارد که سناریوهایی که ممکن است در آینده‌ی نزدیک رخ دهند بررسی شوند. اهمیت اساسی سیستم بهداشت عمومی (یعنی حق اجتماعی برای سلامتی) یکی از عناصری ست که امروز دیگر نمی‌توان آن را زیر سؤال برد. این بدان معناست که حداقل برای مدتی، صرفه‌جویی دولت در هزینه‌های بخش سلامت با دشواری روبه‌رو خواهد بود. می‌توان امیدوار بود که در زمینه‌ی آموزش نیز چنین اتفاقی رخ دهد، هر چند بی‌تردید لازم است تلاش شود برخی از تغییراتی که در هفته‌های اخیر به وجود آمده (شروع استفاده از آموزش آن‌لاین) پابرجا بمانند. زنان پس از زمانه‌ی بحران نیز همچنان با بار سنگین کار مراقبتی روبه‌رو خواهند بود – حتی اگر این وضعیت زمینه را برای مبارزه و چانه‌زنی مهیا کرده باشد. اعتصابات کارگری که بالاتر به آنها اشاره شد بر امکان تشکیل اتحادیه‌های کارگری جدید و همچنین ایجاد پشتوانه‌ای اجتماعی برای مطالبه‌ی «درآمد قرنطینه» تأکید دارند. شورش‌های اخیر زندانیان در ایتالیا (که هزینه‌های بسیار زیادی برای آن پرداخته شده) در جهان تماماً تیره‌وتار سال‌های اخیر، روشنی پدید آورده و به‌رغم همه چیز، موفقیت‌هایی چشمگیر – و البته جزئی – به دست آورده است.

در زندان‌های پناهجویانی که قرار است پس فرستاده شوند نیز ویروس کرونا بازگشتِ اجباری را متوقف کرده اما بازداشت‌ها همچنان ادامه دارند.

تکرار می‌کنم: ما مطمئناً با سناریوهایی سروکار داریم که به زمین مبارزات جنبشی مشخص و نه به تغییر تحولات سراسر دولتی اشاره دارند. از نظر روش شناختی فکر می‌کنم مهم است که از این جا شروع کنیم. این ویروس به طرز تمسخرآمیزی ماهیت کاملاً موهومی حاکمیت و فتیشیسم مرزی را نشان داده است. این فرصت مناسبی است تا بار دیگر درباره‌ی اروپا تأمل شود. البته اتحادیه‌ی اروپا تا کنون اقدامات زیادی انجام نداده است، ضد و نقیض عمل کرده و گاه حتی تأثیرات منفی داشته است. اما اکنون چطور می‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که رژیم ریاضتی با تعصب بر اصل بودجه‌ی متوازن از هم فرو می‌پاشد؟ گرایش‌های «عینی» که بر بانک مرکزی اروپا برای ایفای نقش «وام‌دهنده‌ی وهله‌ی آخر» فشار می‌آورند، قابل توجه هستند. مسئله اینجا گرایش‌های عینی است چرا که از نیت سیاسی مستقل هستند؛ اما این گرایش‌ها شرایط مبارزاتی در خاک اروپا را رقم می‌زنند؛ آنها چارچوب مبارزات در سطح اروپا را شکل می‌دهند که در اقصی نقاط این قاره بسط خواهد یافت.

در آخر، فکر می‌کنم که نظرگاه پیشنهادی این متن به ما اجازه می‌دهد همه‌گیری جهانی فعلی را طوری در نظر بگیریم که بتوانیم بر فضاهایی متمرکز شویم که برای جنبش‌ها و مبارزات اجتماعی و حتی نیروهای چپ گشوده شده است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، من مسئله‌ی کنترل و گسترش اقتدار دولت و دامن زدن به سیاست ترس را دست‌کم نمی‌گیرم. این جنبه‌ها به وضوح در سناریوی فعلی موجود هستند. اما چگونه باید با آن‌ها مقابله کرد؟ برای واژگون کردن معنای کنونی «آزمایشگاه ایتالیایی» باید با مراقبت از امر مشترک آغاز کنیم. فراتر از آن باید در وضعیت کنونی، فرصت‌هایی را که در راستای سیاستی جامع‌تر برای مبارزه در زمان همه‌گیری جهانی به دست آمده‌اند، غنیمت بشماریم.

پیوند با منبع اصلی:

EINE POLITIK DER KÄMPFE IN ZEITEN DER PANDEMIE